

درس هشتم:
توکل و تکیه بر خدا
(نقش معنویت در زندگی)

هدف:

در این درس کودکان با توکل به خدا
در سیره شهدا و همچنین تاثیر توکل در
زندگی آشنا می‌شوند.

شروع

مرئی کرامے!

این درس را با شعرو جملات زیر آغاز کنید:

به نام آن که باشد مهربان تر *** برای ما ز بابا و ز مادر
دهم پندی بکن آویزه‌ی گوش *** مکن هرگز خدای خود فراموش

مرئی کرامے!

شما باید بعد از پرسیدن هر سؤال بالا مکث کنید تا دانش آموز جواب بدهد.

سلام به همه‌ی دوستان مهربونم.

حالتون خوبه سلامتین؟ خوب خوبین؟ خیلی خوبین؟

خسته و بی‌حالیید شما؟ تنبل و بی‌کاریید شما؟ با خدا صحبت می‌کنید؟

به هم محبت می‌کنید؟ درس‌هاتون رو خوب می‌خونید؟ کلاس امسال می‌مونید؟

وای وای وای وای! چشم مامان و باباهاتون روشن می‌خوانین کلاس امسال بمونید؟

نه نه نه!

«سپس ادامه دهید»

خب! می‌بینم که همه‌ی بچه‌های این کلاس می‌خوان با توکل به خدا و تلاش، با

معدل بالا قبول بشن و برن کلاس بالاتر. آفرین!

اون‌هایی که دوست دارند با معدل بالا قبول بشن و برن کلاس بالاتر، صلوات

بفرستند، ببینم چند نفر هستید؟

اللهم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجهم.

خب کیا موافقید به داستان با هم گوش کنیم؟ پس گوش کنید تا از داستان

آقاسهیل بگم.

مرئی کرامے!

داستان زیر را با لحن دلنشین و شور و هیجان برای دانش‌آموزان تعریف بفرمایید.

خاطره داستانی

نام داستان: حریف گنده || روز مسابقه بود. مسابقه‌ی کشتی، آن هم در روز سالگرد تولد حاج قاسم جان سلیمانی جان جان. همه از شهرهای مختلف برای مسابقه آمده بودند. سهیل هم برای مسابقه آماده بود. آن قدر تمرین کرده بود که بازوهایش شده بود عین تخم مرغ. او فکر کرد می‌تواند حریف را فرتی ناکار کند. اما وقتی نوبتش شد و اورت، وا رفت و نزدیک بود مثل بستنی قیفی، زارپ، پخش زمین شود. می‌دانید چرا؟ چون حریفش خیلی گنده بود. هرکولی بود برای خودش. نزدیک بود سهیل، بومب، مثل بادکنک بترکد و ناامید شود.

او به مرّبی گفت: «خدایی خیلی گنده‌اس. گنده‌تر از این نمی‌شه، من نمی‌تونم!» مرّبی که خودش از مدافعان حرم بود، گفت: «ناامیدی کار شیطونه، نه ما که به عشق حاجی اینجاییم». سهیل گفت: «جون مرّبی، حاج قاسم بود ناامید می‌شد، آخه هیکلو ببین جون سهیل». مرّبی گفت: «پس حاجی رو نشناختی». سهیل گفت: «چطور مگه؟» مرّبی گفت: «توی جنگ با داعش در شرایط خیلی سختی بودیم. می‌خواستیم شهر رو آزاد کنیم اما همه‌جا زیر آتیش بود. اصلا یه وضعی! توی همون شرایط سخت حاج قاسم اومد. با آرامش منطقه رو بازدید کرد و رفت.» سهیل گفت: «جیگرو! با آرامش؟» مرّبی گفت: «بله! بیست دقیقه بعد یکی از طرف حاج قاسم اومد و یه یادداشت از طرف ایشون به من داد. نه یکی، نه دوتا، هشت تا دستور توی اون نامه بود. دلم ریخت. هر چی بررسی کردم، دیدم نمی‌تونم». سهیل خنده‌ای کرد و گفت: «آهان! دیدید سخته. دیدی شما هم نتونستی». مرّبی گفت: «آره! اما به حاجی تلفن زدم تا بپرسم چکار کنم؟ حاجی گفت: «اگه بتونی مثل شهید باکری به خدا توکل کنی، خدا کمکت می‌کنه. بعد حتما می‌تونی دستوراتی که گفتم رو انجام بدی». من توی فکر فرو رفتم».

سهیل گفت: «توکل به خدا مثل شهید باکری دیگه چه مدلیه؟» مرّبی گفت: «اول به خدا توکل کردم و گفتم: «خدا یا! می‌خوام به تو توکل کنم، به من کمک می‌کنی؟» بعد با قدرت گفتم: «ای خدای باکری! از این به بعد به تو توکل کردم. از این به بعد همه‌چیز با تو». اینجا بود که احساس کردم شهید آقا مهدی باکری به کمکم اومد و من نیرو گرفتم». سهیل گفت: «یعنی دیگه راس‌راسی نترسیدی از اون هیکل گنده‌های داعشی؟» مرّبی خندید و گفت: «شرایط سخت بود و هوا هم تاریک بود. من از خاکریزی که بین ما و دشمن بود رد شدم، اما دیدم دشمن داره فرار می‌کنه.

انگار ترس به جوشون افتاده بود». سهیل گفت: «یعنی که چی؟ یعنی با توکل ناکارشون کردید؟» مرّی گفت: «آره! اولش برا خودمم عجیب بود، اما بعد فهمیدم توکل واقعی همه چیز رو راحت می‌کنه». سهیل نفس عمیقی کشید و گفت: «ای خدای باکری! به تو توکل می‌کنم» و به طرف تشک کشتی رفت.

شعار

توکل بر خدا کن *** فقط او را صدا کن

مرّی کرامه!

بخش اول شعار را بیان کنید تا دانش‌آموزان بخش دوم یعنی «نماز» را با صدای بلند بگویند.

توشه محشر: نماز *** کلید کوثر: نماز

عطر گلستان: نماز *** شوق بهاران: نماز

پیام قرآن: نماز *** شوکت ایمان: نماز

نیاز انسان: نماز *** سنجش ایمان: نماز

شعر

من از گل‌های رنگین، ز شب‌نم‌های سیمین، خدا را می‌شناسم..... (۲ مرتبه)

من از امواج دریا، ز کوه و دشت و صحرا، خدا را می‌شناسم..... (۲ مرتبه)

من از باد بهاران، کنار چشم ساران، خدا را می‌شناسم..... (۲ مرتبه)

من از آگاهی مور، شگفتی‌های زنبور، خدا را می‌شناسم..... (۲ مرتبه)

من از شب‌های زیبا، به باغ آسمان‌ها، خدا را می‌شناسم..... (۲ مرتبه)

من از انجیر و زیتون، انار سرخ گلگون، خدا را می‌شناسم..... (۲ مرتبه)

گره داستانی

داستان نماز اهل بیت (علیهم‌السلام) خصوصاً امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و نماز ظهر عاشورا، نماز امام خمینی در بیمارستان و خاطرات نمازهای عارفانه شهدا.

طنز

۱. یه بنده خدایی موقع از دنیا رفتن، وصیت می‌کنه: «سی سال برام نماز صبح و مغرب و عشا بخونید». ازش می‌پرسند: «پس نماز ظهر و عصر چی؟» می‌گه: «اونا رو از ترس حراست توی اداره خوندم!»

۲. معلمی داشتیم که می‌گفت: «قرآن رو باید بخونیم و بهش عمل کنیم تا به خدا برسیم. اینکه سالی یکبار قرآن رو بذاری روی سرت و گریه کنی، مثل این می‌مونه که امتحان داشته باشی و به‌جای اینکه درس بخونی، جزوه و کتابت رو روی سرت بذاری و گریه کنی!»

بازی حرکتی

مرئی گرام!

سؤالات سه‌گزینه‌ای از دانش‌آموزان پرسید و سه نقطه در کلاس را مشخص کنید به عنوان گزینه‌های جواب. دانش‌آموزان با شنیدن گزینه‌های جواب، باید در نقاط مربوطه مستقر شوند. در پایان کسانی برنده هستند که پاسخ‌های بیشتری را صحیح انجام داده باشند.

نمونه سؤالات:

۱. اولین سوره‌ی قرآن چیست:
الف- بقره / ب- فاتحه / ج- آل عمران
۲. قرآن کریم، چند سوره دارد؟
الف- ۱۱۴ سوره / ب- ۱۱۳ سوره / ج- ۱۱۵ سوره
۳. کدام سوره در تمام نمازها باید خوانده شود؟
الف. سوره توحید / ب. سوره ناس / ج. سوره حمد
۴. آخرین سوره‌ی قرآن کریم، کدام سوره است؟
الف. سوره عصر / ب. سوره ناس / ج. سوره کوثر
۵. کدام سوره با اسم خودش تمام می‌شود؟
الف. سوره ناس / ب. سوره ماعون / ج. هر دو سوره



..... خلاقیت در کلاس

مرئی کرامے!

با استفاده از قیچی، طرح (صفحه بعد) را برش بزنید تا تبدیل به تصویر پروانه شود؛ در حین کار در مورد آثار توکل به خدا و آرامش حاصل از آن، توضیح بدهید.

..... پایان

مرئی کرامے!

به عنوان سخنان پایانی جملات زیر را بیان کنید.

شب‌ها بیاین کنار هم *** به آسمون نگاه کنیم
ستاره‌ها رو بچینیم *** با هم دیگه دعا کنیم
به یاد بیاریم که خدا *** ما آدم‌ها رو آفرید
ماه قشنگ نقره‌ای *** ستاره‌ها رو آفرید
بیاین با هم بگیم خدا *** خدای خوب و مهربون
هر کسی که به یادته *** به آرزوهایش برسون...
(الهی آمین)

بله بچه‌ها! انسان با بندگی و خدمت به مردم می‌تواند مثل یک کبوتر پرواز کنه و
بره بالا... بالا... بالاتر.

بالاتر از ستاره *** تو آسمان بهشت

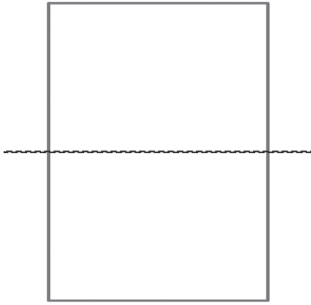
پرواز کنه دوباره *** بگه خدا خدا جون

خدا جون مهربون *** دست منو تو بگیر *** ببر منو تو بهشت

پس بیایید همه با هم دعا کنیم. پس همه دست‌ها رو بیارین بالا تا بخونیم:

با این دو دست کوچکم *** دست می‌برم پیش خدا
با دل پاک و روشنم *** دعا کنم دعا دعا
آهای! خدا خدا خدا *** بشنو دعاهای مرا
دعا برای مادرم *** دعا به شادی بابا
به جان حضرت رضا *** ما را نکن ز خود جدا (صلوات).





مرحله اول: کاغذ مستطیل شکل را از وسط تا می‌زنیم

مرحله دوم: مطابق شکل برش می‌زنیم

